



## Bio-Power in Arabic Sci-fi, Foucault's Reading of the Novel "Al-Sayyid Min Haql Al-Sabankh" by Sabri Musa

Zohreh Naemi<sup>1</sup>, Farhang Mafakheri<sup>2</sup>  
(129-149)

### Abstract

Sci-fi is one of the types of literature that has been introduced in fiction after the World War II and the industrialization of societies. One of the themes of this literary genre is the study of social and human issues that are more important in Arabic literature. Arabic science fiction literature conceptualizes the subject of power, which seems to be very close to Michel Foucault's theory of "bio-power." The novel "Al-Sayyid Min Haql Al-Sabankh" by Sabri Musa is one of the most prominent Arabic science-fiction works. This study seeks to take a new look at the novel "Al-Sayyid Min Haql Al-Sabankh" Based on the "bio-power" theory to discover how an Arabic science-fiction work conceptualizes "power". This research has examined this novel using a qualitative method and analytical-critical approach, and the obtained results indicate that this novel is largely consistent with Foucault's theories on bio-power. In this novel, the author demonstrates a power that is not only applied in a soft form, but also like the air that is breathed. It is current in all social relations and affects all aspects of citizens' lives. And the exercise of power is not based on killing but on giving life, and the ruling regime guarantees a healthy and safe life for all citizens. Power in this novel manifests itself in a different way in society and controls all citizens, both individually and as a population, and this is exactly the bio-power in Foucault's thought.

**Keywords:** Bio-power, Michel Foucault, Science Fiction, Sabri Musa, Al-Sayyid Min Haql Al-Sabankh.

Received: 15, April, 2022; Accepted: 21, November, 2022+

doi: 10.22059/jalr.2022.341612.612539  
Print ISSN: 2382-9850//Online ISSN: 2676-7627  
<http://jalr.ut.ac.ir>

1. Assistant Professor at the Department of Arabic Language and Literature in the Faculty of Literature and Humanities University of Kharazmi, Tehran, Iran.

2. Corresponding author: [std\\_farhang.mafakheri@khu.ac.ir](mailto:std_farhang.mafakheri@khu.ac.ir)

Ph.D. Candidate at the Department of Arabic Language and Literature in the Faculty of Literature and Humanities University of Kharazmi, Tehran, Iran.

## زیست‌قدرت در ادبیات علمی - تخیلی عربی، خوانشی فوکویی از رمان «السید من

### حقل السبانخ» اثر صبری موسی

زهره ناعمی

استادیار زبان و ادبیات عربی گروه عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

فرهنگ مفاخری<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی گروه عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۲۶؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

علمی - پژوهشی

### چکیده

ادبیات علمی - تخیلی یکی از انواع ادبی است که پس از جنگ جهانی دوم و صنعتی شدن جوامع در ادبیات داستانی مطرح شده است. یکی از مهم‌ترین درون‌مایه‌های این نوع ادبی، پرداختن به مسائل اجتماعی و انسانی است که در ادبیات عربی جلوه ویژه‌تری یافته است. ادبیات علمی - تخیلی عربی پیرامون موضوع قدرت مفهوم‌سازی می‌کند که به نظر می‌رسد تا حدی نزدیک به تئوری «زیست‌قدرت» در اندیشه میشل فوکو است. رمان «السید من حقل السبانخ» اثر صبری موسی یکی از برجسته‌ترین آثار علمی - تخیلی عربی است که این تحقیق در تلاش است با تکیه بر تئوری «زیست‌قدرت»، به خوانش جدیدی از این رمان بپردازد تا مشخص شود که چگونه یک اثر علمی - تخیلی عربی درباره «قدرت» مفهوم‌سازی می‌کند. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی - نقدی به بررسی این رمان پرداخته و نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که این رمان تا حد زیادی منطبق با تئوری زیست‌قدرت است؛ نویسنده در این رمان قدرتی را به نمایش می‌گذارد که نه تنها در یک قالب نرم اعمال می‌شود بلکه همانند هوایی که تنفس می‌شود و در تمامی روابط اجتماعی جاری و ساری است و بر تمام جنبه‌های زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد و اعمال قدرت نه بر کشتن بلکه بر زندگی بخشیدن تکیه دارد و رژیم حاکم تضمین‌کننده زندگی سالم و امن برای تمامی شهروندان است. این نوع از قدرت در بطن جامعه بروز پیدا کرده است که همه شهروندان را هم به شکل فردی نظارت می‌کند و هم جمعیت را به‌مثابه یک موجود زنده تحت نظارت خود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** زیست‌قدرت، میشل فوکو، ادبیات علمی - تخیلی، صبری موسی، السید من حقل السبانخ.

### ۱. مقدمه

ادبیات علمی - تخیلی یکی از انواع ادبی است که ترجیح‌بند آن به تصویر کشیدن جهان‌های آینده است. نویسنده در این‌گونه آثار، علم را با تخیل در هم می‌آمیزد و جهانی را موازی با جهان کنونی خلق می‌کند که مهم‌ترین شاخصه آن پیشرفت‌های علمی و

فناورانه است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در این‌گونه آثار مطرح می‌گردد سیستم حکومتی جهان‌های آینده است که نویسنده با درک نظریات زمان خود، دست به پیش‌بینی آن می‌زند و پیرامون قدرت مفهوم‌سازی می‌کند و در این نقطه است که می‌توان ادبیات علمی - تخیلی را با آراء و دیدگاه‌های میشل فوکو<sup>۱</sup> پیرامون «زیست‌قدرت»<sup>۲</sup> پیوند داد.

فوکو اساساً قدرت را به معنای سنتی آن یعنی وادار کردن دیگران به انجام دادن کاری برخلاف میلشان نمی‌پذیرد و آن را فقط شکلی از اشکال قدرت در نظر می‌گیرد. او سیری تاریخی را از قدرت در آثار خود ارائه می‌دهد و معتقد است که در گذشته قدرت دست پادشاه بود و آن را از طریق کشتن اعمال می‌کرد اما امروزه این امر وارونه شده و پس از ظهور سرمایه‌داری نوع دیگری از قدرت ظاهر گشته که متناسب با دوران مدرنیته است. این شکل از قدرت، به جای سرکوب و کشتار بر زنده ماندن تمرکز دارد تا از نهایت توان بالقوه افراد در راستای اهداف خود استفاده کند. فوکو این نوع از قدرت را زیست‌قدرت می‌نامد.

اکنون این مسئله مطرح می‌شود که در آینده چه نوع قدرتی وجود خواهد داشت؟ آیا قدرت به شکل دیگری ظهور خواهد کرد یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال باید سراغ ادبیات علمی - تخیلی رفت چراکه «هر متن ادبی زاده ذهنی خلاق و به نوعی یک آفرینش است» (صالحی و باقری، ۱۴۰۰: ۸۹). علمی - تخیلی نویسان با درک درست آراء و نظریات زمانه خود و بر اساس واقعیت‌های موجود، آینده را ترسیم کرده‌اند و اغلب حکومتی سلطه‌گر و نظارت‌کننده را متصور می‌شوند که قدرت خود را در تمامی لایه‌های جامعه اعمال می‌کند و بر زندگی شهروندان نظارت کامل دارد.

به نظر می‌رسد پرداختن به موضوع قدرت و نحوه اعمال آن در ادبیات علمی - تخیلی عربی جلوه ویژه‌تری پیدا کرده است که می‌توان دلیل آن را این امر دانست که اگرچه کشورهای عربی هیچ‌گاه پیشگام در پیشرفت‌های صنعتی و فناورانه نبوده‌اند، اما همیشه با رژیم‌های توتالیتر و تمامیت‌خواه در چالش بوده‌اند بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که موضوع قدرت در ادبیات علمی - تخیلی عربی انعکاس پیدا کرده باشد.

---

1. Michel Foucault  
2. Bio-power

رمان *السید من حقل السبانخ* اثر صبری موسی به‌عنوان نماینده‌ای از نسل اول علمی-تخیلی نویسان عرب، به موضوع قدرت پرداخته و به نظر می‌رسد آنچه نویسنده به تصویر کشیده است بسیار نزدیک به نظریه «زیست‌قدرت» میشل فوکو است زیرا در این رمان شهروندان قدرت را نه به شکل سنتی آن، بلکه به شکلی مدرن زندگی می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، قدرتی که در این رمان نمایان شده است همانند هوایی است که دیده نمی‌شود اما در تمامی لحظات زندگی شهروندان جاری و ساری است.

با توجه به این‌که آثار صبری موسی چندان مورد مطالعه قرار نگرفته است می‌تواند حوزه نسبتاً خوبی برای مطالعه باشد و چنین به نظر می‌رسد که تحلیل آثار علمی-تخیلی در این قالب می‌تواند ما را در درک بهتر آینده کمک کند. بنابراین سؤال اصلی تحقیق حاضر از این‌قرار است: صبری موسی آرمان‌های آتی خود را، با توجه به نظریه زیست‌قدرت فوکویی، چگونه ترسیم کرده و مؤلفه‌های محوری مدنظر او در ساختمان‌سازی رمانش و مفهوم‌سازی حول «قدرت» چه بوده است؟

#### ۱-۱. پیشینه پژوهش

پس از بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد که به‌طورکلی آثار صبری موسی کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته و به‌ویژه در مورد خوانش فوکویی آثار او تاکنون هیچ پژوهشی انجام نشده است. در ادامه پژوهش‌هایی که به‌نوعی به تحقیق حاضر مرتبطاند، ذکر می‌گردد:

«قراءة فی رواية السید من حقل السبانخ أو یوتوبیا عصر العلم» (عید، ۱۹۸۵). نویسنده در این مقاله توضیح مختصری را در مورد شکل اداره کره زمین در قرن ۲۴ بر اساس داده‌های این رمان ارائه می‌دهد و نحوه اعمال قدرت را در قالب بخش‌هایی مانند هیئت‌های رئیسه در مناطق و اقلیم‌ها توضیح می‌دهد.

«تشکل الشخصية فی الروایة الیستوییة»، (نجدی، ۲۰۲۰). تکیه اصلی این پژوهش بر موضوع شخصیت‌پردازی در آثار ویرانشهری است که کارکردی فعال در به تصویر کشیدن دنیای ضد آرمان‌شهری آینده دارند. نویسنده در این مقاله، رمان *السید من حقل السبانخ* را به‌عنوان یکی از آثار مورد مطالعه خود انتخاب کرده است.

آنچه تحقیق حاضر را از پژوهش‌های فوق متمایز می‌سازد این است که در این پژوهش تأکید بر روی زیست‌قدرت و چگونگی نمود پیدا کردن آن در رمان *السید من حقل السبانخ* است. همچنین به دنبال آن است تا بر اساس دیدگاه‌ها و نظریات میشل

فوکو خوانشی متفاوت از این رمان را ارائه بدهد که در هیچ‌کدام از آثار فوق به آن اشاره‌ای نشده و تحقیق از این نظر کاملاً بدیع و نو است.

### ۲-۱. روش‌شناسی تحقیق

بدون شک آثار داستانی به‌عنوان داده‌های خام می‌توانند برای شناخت و رمزگشایی از واقعیت‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گیرند. به عبارت دیگر؛ «رابطه متقابل میان ادبیات و اجتماع، بیانگر این است که محیط ادبی بی تأثیر از محیط اجتماعی نیست و به همین نسبت، جامعه و احوال اجتماع، سازنده بسیاری از آثار ادبی هستند» (حقایقی و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۱). این پیوند میان ادبیات با واقعیت‌های اجتماعی امروزه تقریباً به اصلی شناخته‌شده در مطالعات میان‌رشته‌ای تبدیل شده است. روش‌های کیفی با ماهیت توصیفی و تحلیلی برای پژوهش‌هایی که به بررسی و تحلیل یک متن ادبی می‌پردازند مناسب‌اند. بنابراین در تحقیق حاضر برای بررسی رمان *السید من حقل السبانخ* روش تحلیلی با رویکرد تحلیلی-انتقادی انتخاب شده است تا با تأکید بر نظریات و آراء میشل فوکو در باب زیست‌قدرت، به تحلیل رمان بپردازد. به این شیوه که ابتدا پس از خوانش رمان، داده‌ها شناسایی می‌شوند و پس از طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس مؤلفه‌های مشخص‌شده، تفسیر و تحلیل می‌شوند. انتظار می‌رود که نتیجه نهایی این مطالعه پاسخی مبسوط به سؤال اصلی تحقیق باشد.

### ۳-۱. صبری موسی و رمان «السید من حقل السبانخ»

«صبری موسی (۱۹۳۲-۲۰۱۸) نویسنده و روزنامه‌نگار مصری است که در سال ۱۹۳۲م در دمياط به دنیا آمد. وی از مشهورترین داستان‌نویسان مصری است که فارغ‌التحصیل مدارس دمياط بوده و آثاری در زمینه سفرنامه‌نویسی، داستان کوتاه و رمان دارد» (بسمه جی، ۲۰۱۹: ۲۵۹). موسی یکی از پیشگامان ادبیات علمی-تخیلی در ادبیات عربی نیز هست که پس از نوشتن رمان «السید من حقل السبانخ» اسم او در لیست این نویسندگان قرار گرفت. او در این رمان قرن ۲۴ میلادی را به تصویر می‌کشد و از آن تحت عنوان «عصر عسل» نام می‌برد. در این عصر، کره زمین پس از یک جنگ الکترونیکی غیرقابل سکنه گشته و گروهی از انسان‌ها توانسته‌اند سازه‌ای را در خارج از جو کره زمین بنا کنند و در آنجا به حیات خود ادامه بدهند. شهروندان هرروز با یک روتین مشخص و برنامه‌ای که رژیم حاکم مشخص کرده است سر کار می‌روند و در قالب یک نظم مشخص نهایت بهره‌وری رخ می‌دهد. قهرمان داستان شخصی به اسم هومو یا *السید* است که در کارخانه

اسفناج کار می‌کند و گره‌افکنی داستان از آنجا شروع می‌شود که روزی هومو احساس خستگی و ملالت می‌کند و تصمیم می‌گیرد که سر کار نرود و از برنامه‌ریزی که حکومت برای او انجام داده است سرپیچی کند. «هیئت برقراری نظم» که زیر نظر رژیم حاکم است به سرعت وارد عمل شده و تلاش می‌کند تا او را به روتین روزانه خود بازگرداند اما هومو از این کار سر باز می‌زند و می‌خواهد تجربه‌های شخصی خود را زندگی کند و به گذشته‌ای که در آن احساس، عاطفه، آزادی و ... ارزش محسوب می‌شدند بازگردد. این چالش هومو با رژیم ادامه پیدا می‌کند تا اینکه دولت حاکم تصمیم می‌گیرد این امر را به رأی بگذارد و در نهایت تصمیم گرفته می‌شود که هومو و طرفدارانش از این سازه به کره زمین فرستاده شوند و به حیات طبیعی خود بر روی کره زمین برگردند.

## ۲. چارچوب نظری

تاکنون تعریف جامع و کاملی از ادبیات- علمی- تخیلی ارائه نشده و به‌اندازه تمام نویسندگان و ناقدان این ژانر، برای آن تعریف وجود دارد. عصام بهی معتقد است که:

«ادبیات علمی- تخیلی برگرفته از یک حقیقت ثابت‌شده و یا ثابت نشده علمی است که زندگی بشر را در آینده‌ای دور یا نزدیک به تصویر می‌کشد. در این ژانر، ادبیات لباس زیبایی است که نویسنده بر تن علم می‌کند تا بدین شکل بتواند گوشه‌ای از ابهامات هستی را کشف نماید» (بهی، ۱۹۹۹: ۵۷).

وهبه معتقد است:

«این شاخه از ادبیات داستانی به شکلی خیالی، پیشرفت علوم و فناوری را به تصویر می‌کشد و نیز این ژانر نوعی از ادبیات شگفت‌انگیز محسوب می‌شود با این تفاوت که حوادث این‌گونه داستان‌ها در آینده‌ای دور و یا در مکانی غیر از کره‌ی زمین اتفاق می‌افتد» (وهبه، ۱۹۸۴: ۱۸۷).

ادبیات علمی- تخیلی در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته «سخت»<sup>۱</sup> و «نرم»<sup>۲</sup>

تقسیم‌بندی می‌شود.

«در ادبیات علمی- تخیلی سخت نویسنده تلاش می‌کند تا حد امکان واقعیت‌های ثابت‌شده حوزه علوم و فناوری یا علوم طبیعی را به کار بگیرد. این نویسندگان مانند ژول ورن<sup>۳</sup> ( ) تا آنجا که ممکن است به دقت علمی پایبند هستند. اما در مقابل نویسندگان علمی- تخیلی نرم مانند ه.ج. ولز از اصول ثابت علمی عبور می‌کنند و به تأثیرات و پیامدهای پیشرفت‌های علمی و

- 
1. Hard science fiction
  2. Soft science fiction
  3. Jules Verne

فناوری بر جامعه، فرهنگ و انسان می‌پردازند و دست به گمانه‌زنی می‌زنند» (Steinmuller, 2003: 4).

یکی از مفاهیمی که در حوزه ادبیات علمی - تخیلی نرم می‌گنجد، موضوع قدرت است که به‌طور کلی یکی از کلیدی‌ترین مباحث در حوزه علوم انسانی و اجتماعی است. در فرهنگ لغت آکسفورد در تعریف واژه قدرت آمده است: «توانایی انسان برای انجام نظارت کسی یا چیزی» (Oxford, 2003: 335) و در تعریف دیگری از آن آمده است: «توانایی یا ظرفیت مجبور کردن دیگران به عمل بر اساس اهداف خود به‌طوری که آن‌ها کاری را انجام دهند که در غیر این صورت انجام نمی‌دادند» (Karaca, 2020: 16). با دقت در معانی مختلفی که برای این مفهوم ارائه شده است می‌توان ویژگی مشترک آن‌ها را این دانست که قدرت به معنای توانایی وادار کردن دیگران به عمل بر اساس خواسته‌های خود است و این کلمه معمولاً با واژه دولت پیوند پیدا می‌کند.

در مورد ماهیت قدرت تا به امروز اظهارنظرهای مختلفی انجام شده است که می‌توان آن‌ها را در دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: دسته اول مانند برداشت هابز از قدرت است که:

به عقیده او قدرت اساساً از بالا اعمال می‌شود و سوژه دائماً در حال سرکوب شدن است. در این دیدگاه قدرت ساحتی سلسله مراتبی دارد و اساساً موجودیت قدرت و عملکرد آن در گرو نابودی و سرکوب شدن سوژه است (میلانی، ۱۳۹۰: ۱۲).

اما دسته دوم برداشت فوکو از قدرت است که به‌حق باید آراء او را نقطه عطفی در تاریخ مفهومی این واژه دانست. فوکو به‌طور کلی این تعریف از قدرت را ناقص و ناکافی می‌داند و معتقد است که «قدرت نه‌تنها روشی است که از طریق آن شخصی بر روی کنش شخص دیگری تأثیر می‌گذارد، بلکه یک ویژگی دستگامی است که در یک شبکه اجتماعی ظاهر می‌شود» (Paul, 2011: 1). بنابراین آن را نه‌فقط در دولت یا در اختیار یک شخص بلکه در تمام نهادهای اجتماعی مانند بیمارستان و مدرسه و آسایشگاه و زندان و ... می‌توان به‌وضوح دید. فوکو این برداشت از قدرت را «زیست‌قدرت» نامیده است. با مراجعه به آثار او درمی‌یابیم که قدرت یک شکل واحد ندارد بلکه بسته به موقعیت می‌تواند تغییر کند. مثلاً یک فرد در برابر یک پادشاه می‌تواند کسی باشد که بر او قدرت

اعمال می‌شود اما خود در یک موقعیت دیگر مثلاً در موقعیت یک پزشک یا یک معلم می‌تواند اعمال گر قدرت باشد. پس قدرت را نمی‌توان محدود به یک گروه و یک شخص خاصی کرد بلکه در کل روابط اجتماعی به شکلی شبکه‌ای وجود دارد. بنابراین فوکو در نظریات خود در تلاش است تا مفهوم پذیرفته‌شده قدرت را مورد تردید قرار دهد و شکل تازه‌ای از آن را ارائه بدهد که تحت عنوان زیست‌قدرت شناخته شده است.

### طبق تلقی نگری<sup>۱</sup> و هارت<sup>۲</sup>

«زیست‌قدرت شکلی از قدرت است که زندگی اجتماعی را از درون تنظیم می‌کند، به آن جهت می‌دهد و جذب می‌کند، و مجدداً مفصل‌بندی می‌کند. قدرت فقط زمانی می‌تواند به‌طور مؤثر بر کل حیات جمعیت سلطه داشته باشد که به کارکردی حیاتی و مطلق بدل شود و هر فرد در آن مطابق خواست خود پذیرفته شود و فعالیت کند. بر این مبنای، زندگی به ابژه قدرت تبدیل می‌شود. کار ویژه‌ی این قدرت احاطه کامل زندگی و اداره آن است. بنابراین، زیست‌قدرت به وضعیتی اشاره می‌کند که در آن مسئله اصلی تولید و بازتولید خودِ زندگی در قدرت است» (به نقل از نجف زاده، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

به‌طور کلی می‌توان گفت در اندیشه فوکو زیست‌قدرت به این معناست که قدرت از بالا به پایین اعمال نمی‌شود بلکه از پایین به بالا ساخته می‌شود و همه افراد جامعه چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی ابزارهای قدرت هستند. به‌این ترتیب، مفهوم فوکو از قدرت، گاهی در تضاد با قدرت به معنای سرکوب است. مؤلفه‌هایی که از این نظریه انتخاب شده و در رمان «السید من حقل السبانخ» کاویده می‌شود عبارت‌اند از: قدرت شبانی، نظارت سراسر بین، بدن‌های رام، مجازات و تنبیه و تنظیم جمعیت.

### ۳. مؤلفه‌های زیست‌قدرت در رمان السید من حقل السبانخ

#### ۳-۱: قدرت شبانی<sup>۳</sup>

قدرت شبانی یکی از مؤلفه‌های تئوری زیست‌قدرت است که فوکو آن را از مفاهیم الهیاتی مسیحیت وام گرفته است و «منشأ آن در این ایده است که خدا شبان یا کشیش انسان‌ها (یا گله) است» (Godamunne, 2011: 19). این نوع از قدرت به اعتقاد یحیوی:

به‌عنوان حکومت مؤثر و عملی بر آدمیان، در سیر تحولاتش از شرق به اندیشه‌ی مسیحیت راه یافت و بعدها این مدل، با نفوذترین عقلانیت حکومتی در جوامع غربی شد و امروزه نیز در اشکالی از «دولت رفاهی» رخ‌نمایی می‌کند. این تصور شبانی از رابطه قدرت در مسیحیت قرون وسطی انتشار گسترده‌ای یافت (یحیوی، ۱۳۹۶: ۹).

1. Antonio Negri
2. Michael Hardt
3. pastoral power



قدرت شبانی فقط سرکوبگر نیست بلکه در مواردی نقش آن مراقبت و تأمین و بهبود زندگی شهروندان است به همان شیوه که یک شبان از گله مراقبت می‌کند، آسیب‌ها را درمان می‌کند و سعی می‌کند از رنج‌ها جلوگیری کند. فوکو مدعی است که:

نقش قدرت شبانی در مدرنیته حفظ می‌شود، اما نه از طریق کشیش‌ها یا شبانان، بلکه از طریق دولت-ملت مدرن. به گفته فوکو، دولت مدرن قدرت شبانی را با یک تفاوت دنبال می‌کند و آن هم این است که معنای رستگاری جای خود را به سلامت، رفاه، ثروت کافی، استاندارد زندگی و امنیت داده است (Gomez, 2021: 169).

بنابراین مفهوم قدرت از نظر فوکو محدود به نظارت و سلطه نیست بلکه بسط پیدا می‌کند و می‌تواند در دیگر ابعاد زندگی شهروندان نیز جاری گردد.

این مؤلفه از زیست‌قدرت در رمان «السید من حقل السبانخ» نمود پیدا کرده و قدرت حاکم پس از جنگ الکترونیکی که کره زمین را غیرقابل سکونت کرده است، شهروندان را به یک سازه شبیه به کره زمین منتقل می‌کند تا آن‌ها را از هر نوع خطری نجات بدهد. گروه امنیت و دیگر کمسیون‌های دولتی توانسته‌اند رفاه کامل را برای شهروندان فراهم آورند:

ان مسيرة تلك القرون من الاستخدام الحضاري للإلكترونيات وتطوراتها، قد وصلت بالإنسانية إلى نظام عام لتوزيع العمل والطعام والدفع السكني والتعليم والفن والكماليات الوفيرة... وقد أمكن القضاء على جميع الميكروبات، وأسباب الحروب السخيفة... وأمكن تنظيم عمليات الوفاة والولادة... أن كل شيء قد أصبح يدار باحكام شديد و جميع النتائج والثمار، توزع على المواطنين رخاء و رفاهية، بطريقة عادلة... وهكذا أصبح الإنسان حراً (موسى، ۱۹۸۲: ۳۷).<sup>۱</sup>

دولت-ملت مدرن هر چیزی (یا هر کسی) که مانع عملکرد طبیعی جمعیت شود را به‌عنوان یک تهدید بالقوه معرفی می‌کند، در این رمان به‌محض اینکه هومو از روتین روزمره زندگی خود و برنامه‌ای که دولت برای او تعیین کرده است خارج می‌شود بلافاصله به‌عنوان یک تهدید برای جامعه شناسایی می‌شود و او را کاملاً تحت نظارت قرار می‌گیرد تا جامعه دوباره گریبان گیر رنج‌های قدیم نشود:

إنك تعتبر تصرفك العفوى هذا نوعاً من الحرية وهذا خطأ شديد تقع فيه، ومن واجبنا أن نصحبه لك... فلو أننا أطلقنا الحرية لكل مواطن كي يتصرف على سجيته، وكما يحلو له، لانفتحت في النظام آلاف الثغرات تدخل منها كل عيوب البشرية القديمة وأمراضها التخلفية التي خلصها النظام منها... مثل الإهمال والفضوى والمكروبات الأخلاقية بأنواعها ابتداءً من الكسل والإهمال والكذب إلى الرشوة والاختلاس والخيانة... (موسى، ۱۹۸۲: ۴۲).<sup>۲</sup>

از این نظر دولت مانند شبانی عمل می‌کند که گله یا جمعیت خود را هدایت و از آن‌ها مراقبت می‌کند. قدرت حاکم در این رمان خود را مسئول نجات جامعه می‌داند و نظارت و اصلاح هومو و طرفداران او را یک امر ضروری می‌داند. بنابراین قدرت مانند یک کشیشی باید بداند که تک‌تک افراد جامعه چه می‌دانند و در روح و روان آن‌ها چه می‌گذرد و همان‌گونه که در کلیسای مسیحیت باید شهروندان اعتراف کنند که چه اقداماتی انجام داده و چه در ذهن دارند، در این رمان نیز دولت حاکم از هومو می‌خواهد که اعتراف بکند دقیقاً چه اتفاقی برای او افتاده است که از سیر عادی زندگی روزمره خارج شده است تا هر چه زودتر او را مداوا کند و این فرآیند در واقع برای نجات کل گله است که شبان آن را ضروری می‌داند.

### ۳-۲. نظارت سراسر بین<sup>۱</sup>

نظارت یک مبحث مهم در رابطه با زیست‌قدرت در اندیشه فوکو است. این نظارت در عصر مدرن می‌تواند از طریق دستگاه‌های پیشرفته مانند دوربین‌های مداربسته و روش‌های دیگری مانند پهبادها صورت بگیرد. دولت‌ها این امر را برای نظارت و امنیت بیشتر جامعه استفاده می‌کنند. فوکو معتقد است که:

این نوع نظارت در واقع قدرتی است که در سرتاسر فضای اجتماع توزیع شده است؛ در همه‌جا به‌منزله صحنه، نمایش، نشانه و گفتمان حضور دارد؛ همچون کتابی باز قابل خواندن است؛ با ضابطه‌مند کردن مستمر ذهن شهروندان عمل می‌کند؛ با قرار دادن مانع‌هایی بر سر راه ایده جرم، از جرم جلوگیری می‌کند و به شیوه‌ای نامرئی بر الیاف نرم مغز تأثیر می‌گذارد (فوکو، ۱۳۷۸: ۱۶۵).

در این نظام به قول فوکو:

شهروندان به‌عنوان سوژه‌های رؤیت‌پذیر نسبت به نظارت خودآگاهی دارند و دنیا شبیه زندانی شده است که زندانی بی‌وقفه سایه بلند برج مرکزی را که از آنجا مخفیانه زیر نظر است در برابر دید داشته باشد. در این دنیا ما نه بر پله‌های آمفی‌تئاتر نشسته‌ایم و نه روی صحنه‌ای، بلکه در ماشین سراسر بین جای گرفته‌ایم، در محاصره اثرهای قدرتی که خودمان آن را تداوم می‌بخشیم چون چرخ‌دنده‌ای از آن ماشینیم (همان: ۲۷۰).

در رمان *السید من حقل السبائح* دنیایی که نویسنده به تصویر می‌کشد کاملاً شفاف است و همه می‌توانند ببینند و دیده شوند. رژیم حاکم در همه‌جا و هرزمانی وجود دارد و از این طریق توانسته است امنیت کامل را برقرار سازد؛ شهروندان هر لحظه که مشکلی برای آن‌ها پیش بیاید سریعاً می‌توانند با «لجنة الأمن» یا همان گروه امنیت ارتباط برقرار کنند.

این رژیم فناوری‌های جدید را برای تسریع در این ارتباط‌گیری به کار گرفته است و زمانی که همسر هومو متوجه گم‌شدن او می‌شود سریعاً به این اداره گزارش می‌دهد و سپس دوربین‌های نظارتی که تمام شهر را پوشش می‌دهند مکان دقیق او را شناسایی می‌کنند:

وتحرکت الصورة كأنما عيونها هي التي تتحرك و تعبر الباحة إلى البوابة الخارجية الضخمة و تسير في الشارع الواسع الطويل بين جداري البلاستيك السميك...فتقطعه بسرعة شديدة دون أن تلمح زوجها بين العابرين فيه، حتى تصل إلى المنعطف، و تجد نفسها في ميدان السفر الخارجي و هناك توقفت الصورة وأخذت تقترب، فرأت زوجها جالسا على أرض الميدان يتطلع إلى الأفق بهدوء شديد وهو يمتص شيئاً في فمه (موسی، ۱۹۸۲: ۱۹).<sup>۳</sup>

در این عصر، اطلاعات مربوط به تمامی شهروندان در عقل الکترونیکی ذخیره می‌شود که از کوچک‌ترین جزئیات مربوط به شهروندان آگاه است و قادر است به همه سؤالاتی که از او پرسیده می‌شود پاسخ بدهد. بنابراین پدیده سراسر بین در این رمان، نظارت تام و تمام قدرت از واحدهای تحت امر خود را فراهم آورده است.

بر اساس دیدگاه فوکو «سازوکار سراسر بین واحدهای فضا را طوری سامان می‌داد که همه چیز بدون وقفه و به‌طور دائم قابل‌رؤیت و در نتیجه قابل‌شناسایی و مراقبت باشد» (ضمیران، ۱۳۷۸: ۱۵۳). این امکان در رمان مذکور به‌خوبی مشهود است و ساخت مکان‌های شهری در عصر عسل به‌گونه‌ای است که هیچ‌گونه مخفیگاهی وجود ندارد، همه چیز از پلاستیک شفاف ساخته شده است و هیچ گوشه و کناری را نمی‌توان یافت که خارج از نظارت رژیم باشد: «...و وجد نفسه في شارع واسع بين جدارين مرتفعين من البلاستيك السميك الشفاف لا توجد فيها فتحات أو نوافذ أو دكاكين مثل تلك الدكاكين التي كانت توجد فيهما فتحات أو نوافذ» (موسی، ۱۹۸۲: ۱۲).<sup>۴</sup>

این امر باعث نظارت و سراسربینی بیشتر رژیم حاکم می‌شود و می‌توان آن را نسخه‌ای پیشرفته‌تر از زندان‌ها و بیمارستان‌هایی دانست که فوکو آن‌ها را شکلی از اشکال زندان می‌داند. بنابراین در عصر عسل رژیم تمامی پیشرفت‌های علمی و فناوریانه را برای نظارت جامعه به کار می‌گیرد و شهروندان وارد یک نظام سراسربین شده‌اند. در این نظام افراد با عددهایی طبقه‌بندی می‌شوند که این امر نظارت را بیشتر و دامنه سراسربینی را گسترش می‌دهد و این نظارت به حدی است که افکار انسان‌ها نیز توسط دستگاه‌هایی ترجمه می‌شود و مردم حتی در سطح فکر کردن نیز تحت نظارت هستند: «وترجم لهم

الشريط الآلي أفكاره... كان يقول لنفسه: إذا كان ما تقوله صحيحا، أيها السيد مندوب النظام... فلماذا اذن تجلسونني الآن أمامكم هنا « (موسى، ۱۹۸۲: ۳۸).<sup>۵</sup>

بنابراین در این دنیای متصور نویسنده هیچ حریم خصوصی وجود ندارد و هر کس در هر زمانی که بخواهد می‌تواند ببیند و دیده شود و این شفافیت باعث امنیتی شده است که رژیم حاضر نیست به هیچ وجهی آن را از دست بدهد.

### ۳-۳: بدن‌های رام<sup>۱</sup>

بدن‌های رام یکی دیگر از مؤلفه‌های زیست‌قدرت در اندیشه فوکو است که به دست‌کاری و نظارت بدن‌های فردی مربوط می‌شود. از نظر فوکو:

بدن انسان همیشه بخشی از میدان سیاسی است که روابط قدرت بر آن تأثیر مستقیم دارد. آن را سرمایه‌گذاری می‌کنند، علامت‌گذاری می‌کنند، آموزش می‌دهند، شکنجه‌اش می‌کنند، مجبورش می‌کنند تا وظایفی را انجام دهد، مراسمی را انجام دهد و یا علائمی را بروز دهد (Kasper, 2013: 22).

او معتقد است که:

انضباط در مراحل اولیه خود بیشتر به قلمرو تن آدمی تسری می‌یافت. به این معنا که ابتدا تن بود که موضوع انضباط قرار گرفت. غایت انضباط ایجاد و تربیت جسمی مطیع و فرمان‌بردار است که به سهولت در معرض انقیاد، تغییر، اصلاح و بهره‌برداری قرار گیرد (به نقل از: ضمیران، ۱۳۷۸: ۱۴۸).  
زیست‌قدرت بدن انسان را همانند ماشینی می‌بیند که می‌تواند در تولید و اقتصاد نقش مهمی را ایفا کند از این‌رو قدرت باید بدن‌های فردی را نظم بدهد و نظارت کند تا آن‌ها را رام و مفید سازد.

یکی از جلوه‌های رام کردن بدن در رمان السید من حقل السبانخ از همان بدو تولد شهروندان صورت می‌گیرد که رژیم با انتخاب طرفین ازدواج و بررسی ژن‌های آن‌ها، انسان‌هایی مطیع و طبق خواسته خود را متولد می‌کند:

..لیالی الرقیقة التي قدموها له منذ خمس سنوات في احدى الحفلات الأسبوعية التي تقيمها لجنة ترتيب المجتمع حينما جاء موعد الاستجابة لطلب زواجه...هي التي اختارتها الآلات الحاسبة الالكترونية له، بعد أن أحصت صفاته و صفاتها الموروثة والمكتسبة، وقارنت وافترضت حتى خرجت في نهاية الحساب بتلك النتيجة..أنهما أصلح شخصيتين للتكامل بالنسبة لكل منهما، وفيهما من عناصر التوافق والتناقض، القدر الكافي الذي يمنحهما حياة بهيجة متجددة مع ضمان نسل صحيح في حالة السماح لهما بالانجاب (موسى، ۱۹۸۲: ۸۹).<sup>۶</sup>

با این کار کمتر شخصیت‌های معارض در جامعه ظاهر می‌شوند و افرادی مانند هومو و بروف نیز که از جریان اصلی زندگی روزمره خارج شده‌اند، رژیم دلیل آن را ایجاد مشکل در تولید آن‌ها می‌داند که احتمالاً یک نوع سهل‌انگاری روی داده است و باید آن‌ها را اصلاح کرد. در این عصر رژیم حاکم از طریق نظم و انضباطی که فراهم آورده است تلاش می‌کند تا نهایت بهره‌وری را از توان بالقوه بدن‌ها به‌عنوان سوژه در امر تولید و اقتصاد داشته باشد: «انهم مجرمون، هؤلاء السادة مسئولو النظام... انهم يعرفون جيدا أن علاج حالتك هو أن تعود إلى استثمار جميع امکاناتك البشرية بطريقة طبيعية...» (موسی، ۱۹۸۲: ۱۶۲).<sup>۷</sup>

این بهره‌وری توسط یک روتین روزمره و همچنین ماشین‌آلات پیشرفته صورت می‌گیرد که هر روز شهروندان را از محل سکونت آن‌ها در سریع‌ترین زمان ممکن به سر کار می‌رساند و این نظم و انضباط از جمله روش‌هایی است که بدن‌ها را مطیع می‌کند و هر چه بدن مطیع‌تر باشد مفیدتر خواهد بود زیرا می‌توان آن را نظارت کرد. فوکو نمونه بارز این نوع نظارت بر بدن را در ارتش و زندان‌ها می‌داند و تحلیل می‌کند که بعدها در یک سطح گسترده‌تر به بطن جامعه آورده شده است.

یکی دیگر از نمودهای نظارت بر بدن، در قالب دست‌کاری سلول‌های مغزی یا شست و شوی مغزی شهروندان در این رمان ظهور پیدا کرده است و نماینده قدرت حاکم پس از توضیح فراوان در مورد دستاوردهای بشری در عصر عسل و لزوم مقابله با افرادی که خارج از چارچوب مشخص شده رفتار می‌کنند، تغییر در سلول‌های مغزی را راهی برای درمان آن‌ها می‌داند و توضیح می‌دهد: «بالنسبة للحالات العارضة التي ظهرت خلال السنوات الأخيرة ممثلة في الانقطاع أو التوقف عن تيار الحياة المرسوم، فانه يجب البدء فوراً بمعالجة عقولها كيميائياً عن طريق حقن الخلايا العصبية». (موسی، ۱۹۸۲: ۱۵۸).<sup>۸</sup>

این معالجه یا دست‌کاری سلول‌های مغزی با این هدف صورت می‌گیرد که بدن فرد را دوباره مطیع سازند اما هومو و بروف این ویژگی خاص خود را نه یک بیماری بلکه نشان از بیداری خود می‌دانند و مخالف تصمیم نظام برای تغییر آن هستند. بنابراین در این رمان «بدن‌های فردی» به‌عنوان سوژه‌هایی، مستقیماً در میدان سیاسی قرار می‌گیرند و روابط قدرت مستقیماً بر بدن‌ها تأثیر می‌گذارد و این بدن‌ها تا جایی به‌عنوان یک نیروی مفید شناخته می‌شوند که مولد و مطیع باشند. بنابراین شهروندان نظارت بر بدن و ذهن

خود را از دست داده‌اند و در سیستم انضباطی دولت زندانی شده‌اند از همین رو فوکو سبک زندگی این شهروندان را با سبک زندگی زندانیان مقایسه کرده است.

به نظر می‌رسد در این رمان، موسی مواد مخدر و روابط جنسی را نیز وسیله‌ای برای ایجاد بدن‌های رام می‌داند که حکومت آن را برای شهروندان فراهم آورده است و زمانی که همسر سید هومو متوجه حالت او می‌شود، ترجیح می‌دهد که او را به سالن‌های *الحب الحر* یا عشق آزاد بفرستد تا اگر خللی از جانب جنسی برای او پیش آمده است، برطرف شود. این سالن‌ها توسط دولت در همه جای کشور دیده می‌شوند:

وقد كنا نظن أن اطلاق الحرية، لبقية الغرائز الأخرى مثل غريزة التنوع الجنسي واللذة، وغريزة التعبير بالكلام، عبر صالونات الحب الحر، وملاهي المناقشات العامة..تقوم بترويض تلك الغرائز واشباعها بالشكل الذي يمنع التمرد أو العنف والاعتداء... (موسی، ۱۹۸۲: ۱۵۱).

این کار در واقع برای اشباع غرایز و جلوگیری از سرکشی در مقابل نظام صورت می‌گیرد که می‌توان آن را یک نوع دارو دانست. همه این اقدامات در نهایت برای تولید بدن‌های رام صورت می‌گیرد و پس از دستیابی به این امر دو اتفاق می‌افتد؛ اول اینکه بدن‌های فردی به نهایت بهره‌وری در تولید می‌رسند که از نظر اقتصادی به نفع دولت است و از طرف دیگر کاملاً مطیع می‌شوند که این امر تضمین‌کننده امنیت و کنترل بیشتر است.

### ۳-۴. مجازات و تنبیه<sup>۱</sup>

یکی دیگر از مؤلفه‌های زیست‌قدرت مجازات و تعذیب است که فوکو در کتاب *مراقبت و تنبیه*<sup>۲</sup> مفصل به آن پرداخته است. فوکو ابتدا سیر تاریخی تنبیه و مجازات را بیان می‌کند و می‌نویسد:

با گذر زمان کم‌کم کیفرها تعدیل می‌شود تا با جرم‌ها متناسب باشد، کیفر مرگ فقط برای مجرمان به قتل صادر می‌شود و شکنجه‌هایی که نفرت انسانیت را برمی‌انگیزد لغو می‌شود. در نیمه دوم قرن هجدهم، اعتراض علیه شکنجه در همه‌جا دیده می‌شود: در میان فیلسوفان و نظریه‌پردازان حقوق؛ در میان حقوق‌دانان و نمایندگان مجلس شیوه‌ی دیگری از تنبیه و مجازات ضروری شد (فوکو، ۱۳۷۸: ۹۳).

بنابراین ضروری بود که نظام تعذیب و مجازات تغییر کند زیرا:

- 
1. Punish
  2. Discipline and Punish

تعدییی که در درجه اول قرار بود اقتدار شاه را به رخ دیگران بکشد و قدرت او را تثبیت کند کم‌کم وارونه شد و مردمی که برای مراسم تعذیب حاضر می‌شدند بیشتر با سوژه احساس نزدیکی می‌کردند بنابراین می‌توانست از قدرت و اقتدار شاه کم کند (همان: ۶۳).

شدت خشونت این نوع تعذیب در طول تاریخ روزبه‌روز تعدیل شد و بدل به کارکردی به‌قاعده و هم سو با جامعه گردید. «نه تنبیه کمتر بلکه تنبیه بهتر؛ شاید تنبیهی با سخت‌گیری تخفیف یافته اما در جهت تنبیهی فراتر و ضروری‌تر؛ جا دادن عمیق‌تر قدرت تنبیه در پیکر اجتماعی» (فوکو، ۱۳۷۸: ۱۰۴).

در رمان السید من حقل السبائح شخصیت‌های معارضی که هومو در صدر آن‌ها است، وجود دارند اما نظام هیچ‌گونه برخورد قهری و خشونت‌آمیزی با آن‌ها ندارد. مجازات در عصر غسل نسبتاً هماهنگ با نظام زیست‌قدرت فوکو است به این صورت که اعمال قدرت و مجازات به‌صورت خشونت‌آمیز و قهری نیست:

«فمن وجهة نظر النظام العام، فان فكرة العقاب قد انتهت نهائيا من المجتمع حيث أن جميع مبررات الجريمة قد انتهت وانقرضت... وأصبح ما يمكن أن يحدث مجرد خطأ، خطأ يجب معالجته و ليست معاقبته...» (موسی، ۱۹۸۲: ۳۴).<sup>۱۰</sup>

آن‌گونه که از متن برمی‌آید در جهان متصور نویسنده، مجازات نه متناسب با شرایط زمانه بلکه کاملاً از میان رفته است زیرا نظام سراسربین دیگر نیازی به مجازات ندارد. بنابراین گویی نویسنده پایه و اساس این اندیشه فوکو را پذیرفته است که مجازات تغییر پیدا می‌کند اما معتقد است که شکل نهایی این تغییر از بین رفتن پدیده مجازات خواهد بود. از این رو، تمامی پیگیری‌هایی که توسط رژیم انجام می‌شود در واقع برای اصلاح سوژه صورت می‌گیرد نه مجازات و نظام هنگام برخورد با شخصیت معارضی مانند هومو به‌جای مجازات، امکانات رفاهی بیشتر مانند مرخصی از کار با حقوق و یا فرستادن به سالن‌های عشق آزاد و .... در اختیار سوژه قرار می‌دهد و تمام تلاش خود را می‌کند تا جایی که می‌تواند برخورد قهری با اشخاص مخالفی مانند بروف و هومو نداشته باشد بلکه از طریق اقناع عمومی آن‌ها را متوجه کند که برخلاف آرمان‌های اجتماعی در عصر غسل عمل می‌کنند.

از این روی، در آینده‌ای که نویسنده به تصویر می‌کشد، بیشتر بر زندگی تأکید می‌شود و مرگ در زیست‌قدرت کمتر دیده می‌شود و اگر این پدیده رخ بدهد «نه به دلیل بزرگی جرم بلکه با هدف صیانت از جان دیگر شهروندان در مقابل مجرم، استفاده می‌شود»

(Karaca, 2020: 28). به عبارت دیگر حق کشتن تنها زمانی انجام می‌شود که یک تهدید بیولوژیکی برای جمعیت یا نژاد وجود داشته باشد. در رمان به این قضیه اشاره شده است و رژیم حاکم در برخورد با سید هومو و طرفدارانش تصمیم می‌گیرد آن‌ها را قربانی کند: «لقد فكرت في الأمر ونحن داخل المصعد... وأدركت أن ذلك فعلا سوف يضع النظام في ورطة... وقد يضطرم ذلك إلى التضحية بالسيد هومو للخلاص من هذه الورطة» (موسی، ۱۹۸۲: ۷۳).<sup>۱۱</sup>

اما این قربانی کردن به شیوه کشتن نخواهد بود بلکه به انتخاب خود آن‌ها، به کره زمین که خالی از سکنه شده است بازمی‌گردند و دولت تمامی امکاناتی که برای زنده ماندن نیاز هست را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد که در زمین بتوانند در صورت امکان به حیات خود ادامه بدهند. خروج بروف و هومو و یاران آن‌ها درواقع نوعی اعدام در زیست-قدرت محسوب می‌شود؛ اما اعدامی که برخلاف قدرت‌های گذشته که در نهایت قهر و خشم صورت می‌گرفت، این بار با احترام و لطافت صورت می‌گیرد و رژیم حاکم تمامی امکانات لازم را برای خروج شهروندانش ایجاد می‌کند؛ اما صحنه خروج آن‌ها از یک جهت مشابه اعدام در سال‌های گذشته است و آن‌هم این است که مردم می‌توانند از کار مرخصی بگیرند و از نزدیک شاهد این خروج باشند و حتی کسانی هم که سر کار هستند می‌توانند از طریق نمایشگرهایی از محل کار خود به‌طور زنده شاهد این صحنه خروج باشند. دولت این امکان را برای شهروندان ایجاد می‌کند تا عبرت و پندی برای آن‌ها باشد.

### ۳-۵. اداره جمعیت<sup>۱</sup>

جمعیت در تئوری زیست‌قدرت همانند یک موجود زنده‌ای است که بقای آن ضروری است. «هدف زیست‌قدرت مدیریت جمعیت یا نژاد از طریق مقررات مختلف مطابق با آن فرآیندها است. تنظیم جمعیت به‌منظور ایجاد تعادل، با افزایش طول عمر و تولد و کاهش میزان مرگ‌ومیر و به حداکثر رساندن نیروهای جمعیت بسیار مهم است» (Karaca, 2020: 9).

این نگاه نسبت به جمعیت در رمان *السید من حقل السبانخ* به‌خوبی مشهود است؛ در عصر *عسل* تولیدمثل تحت نظارت کامل دولت قرار می‌گیرد و انسان‌ها از طریق لوله‌های آزمایشگاهی متولد می‌شوند. در این عصر، یک انجمن به اسم «لجنة ترتيب المجتمع» وجود دارد که وظیفه تصمیم‌گیری درباره ازدواج و بچه‌دار شدن را بر عهده دارد و او می‌تواند تصمیم بگیرد و تشخیص دهد که دو نفر باهم ازدواج کنند یا بالعکس از هم جدا شوند. این گروه اگر ببیند کسی برخلاف انضباط جامعه عمل کنند او را از همسرش جدا



می‌کنند. فوکو استدلال می‌کند که در زیست‌قدرت، «انواع بدن‌هایی تولید می‌شود که جامعه به آن‌ها نیاز دارد و تناسب‌اندام و رژیم غذایی بدن‌های منضبط و متناسب با سرمایه‌داری را ایجاد می‌کند» (Pylypa, 1998: 27).

در این رمان می‌بینیم که رژیم مرکزی با فن‌هایی از قبیل برنامه غذایی منظم توانسته است متوسط عمر شهروندان را به ۱۵۰ سال افزایش بدهد و به جمعیت به‌عنوان یک موجود زنده نگریسته می‌شود که باید جهت‌گیری‌ها، سیاست‌ها و تنظیم آن توسط دولت انجام شود تا پایداری و ثبات جامعه حفظ شود. این کل‌نگری منجر به تشابه تام میان اعضای جامعه شده است: «إنّ البشر قد أصبحوا متشابهين إلى درجة مقلقة فعلا یا دافید... نسخ متطابقة من طريقة اللبس والغذاء والتفكير والأداء الحياتی الیومی...» (موسی، ۱۹۸۲: ۱۱۶).<sup>۱۲</sup>

زیست‌قدرت این کنترل را بر جمعیت انجام می‌دهد تا اوضاع را آن‌گونه که می‌خواهد نظارت نماید. ضمن اینکه یکی از مواردی که از طرف دولت همیشه به‌عنوان یک زنگ خطر به آن نگریسته می‌شود، بازگشت به عواطف و احساسات انسانی است که به یک ضعف در عصر عسل تبدیل شده است زیرا عامل اصلی جنگ‌ها و نزاع میان انسان‌ها در گذشته به آن نسبت داده شده است. بنابراین رژیم برای تحت امر داشتن این امر، جمعیت را به‌عنوان یک سوژه انتخاب و در آن دخل و تصرف می‌کند:

«وقد نجح النظام فی خطة الولادة المعملية عبر الأنبیب التي بدأ تطبیقها فی النصف قرن الأخير... وبدأت تولد أجيال جدیدة صحیحة فعلا من هذه الناحية، وشبه متجردة من تلك العواطف القديمة المتعلقة بالبنوة والأبوة والأمومة...» (موسی، ۱۹۸۲: ۱۵۰).<sup>۱۳</sup>

بنابراین در این عصر نهاد خانواده دیگر یک نهاد عاطفی و احساسی نیست بلکه یک نهاد سیاسی - اجتماعی است که توسط قدرت اداره و نظارت می‌شود و روابط خانوادگی نیز از جانب او مشخص می‌شود و قدرت نه فقط یک حاکم سیاسی بلکه در بطن جامعه وجود دارد و تمامی روابط اجتماعی را تنظیم و نظارت می‌کند.

#### ۴. نتیجه

۱. با بررسی رمان *السید من حقل السبانخ* مشخص گردید که در این رمان نوعی از قدرت نمایان شده که تشابه بسیاری با آراء و نظریات میشل فوکو پیرامون زیست‌قدرت دارد. در این رمان قدرت در بطن جامعه حضور دارد و شهروندان آن را زندگی می‌کنند.

به عبارت دیگر، ما شاهد قدرتی هستیم که اعمال‌شدنی نیست بلکه زیستنی است که این همان مفهوم مورد نظر فوکو از زیست‌قدرت است.

۲. زیست‌قدرت در رمان به دو صورت ظهور یافته است: اولاً به صورت فردی بر تک‌تک شهروندان ظهور و بروز می‌یابد یعنی تمامی ابعاد زندگی شهروندان از هنگام تولد تا ازدواج و پیری تحت اشراف و نظارت دولت است و هر فعالیت فردی در طی یک برنامه مشخص شده از جانب دولت جریان می‌یابد و حتی ذهن شهروندان را نظارت می‌نماید. ثانیاً در سطح جمعیتی نیز زیست‌قدرت بروز پیدا کرده است و تمامی پدیده‌های جمعیتی مانند ازدواج و تولیدمثل و .... باید با اجازه و تحت نظارت رژیم حاکم صورت بگیرد.

۳. زیست‌قدرت در این رمان به دنبال آن نیست که با کشتن و گرفتن جان شهروندان قدرت خود را اعمال کند بلکه قضیه کاملاً بالعکس است و رژیم حاکم تمامی امکانات لازم برای یک زیست سالم را برای شهروندان خود مهیا ساخته تا بتواند از آن‌ها به‌عنوان یک سوژه در بحث امنیت، اقتصاد و تولید، نهایت بهره‌وری را داشته باشند.

۵. شخصیت هومو به‌عنوان قهرمان داستان نماینده بخشی از جامعه در قرن ۲۴ است که نمی‌خواهد در یک روتین و برنامه مشخصی که دولت برای او تعیین کرده است حیات خود را ادامه بدهد و تصمیم می‌گیرد که از آن سازه خارج شود و نوع برخورد رژیم حاکم با این شخصیت و همراهان او نیز دقیقاً در قالب تئوری «زیست‌قدرت» قابل تحلیل است زیرا دولت نه تنها با هومو و طرفدارانش برخورد قهری ندارد بلکه تمامی امکانات را برای ادامه حیات آن‌ها بر روی کره زمین فراهم می‌آورد اما از طرف دیگر حق ادامه حیات در «عصر عسل» را از او می‌گیرد و این مجازاتی معادل اعدام است.

### پی‌نوشت

۱. سرنوشت آن قرن‌هایی که از الکترون‌ها و پیشرفت‌ها استفاده تمدنی می‌شد، انسانیت را به یک نظام کلی برای تقسیم‌کار، غذا و آرامش در مسکن، هنر و زیبایی‌ها رسانده است... و از بین بردن تمامی میکروب‌ها و دلایل ناپسند برای جنگ امکان‌پذیر شده است و [همچنین] امکان مدیریت فرآیندهای زادوولد [نیز] فراهم گشته است... همه چیز با قوانینی محکم اداره می‌شود و همه محصولات و میوه‌ها با آرامش و آسایش و به روشی عادلانه تقسیم می‌شود... و این چنین انسان آزاد گشته است.

۲. تو این رفتار ناخودآگاه خودت را نوعی از آزادی می‌دانی و این یک اشتباه بزرگ است که در آن افتاده‌ای، و ما باید آن را برای تو اصلاح کنیم... ما اگر این آزادی را به همه شهروندان بدهیم تا بر اساس خلق‌و‌خوی خود و آن‌گونه که می‌پسندد رفتار کند، در نظام هزاران شکاف ایجاد می‌شود و تمامی کاستی‌های بشریت قدیم و مرض عقب‌ماندگی‌ای که این نظام از آن پیراسته شده است نفوذ می‌کند. مانند سستی و نابسامانی و تمام بیماری‌های اخلاقی از کسالت و سستی و دروغ گرفته تا رشوه و اختلاس و خیانت ....

۳. و تصویر را حرکت داد گویی چشمان اوست که حرکت می‌کند و از حیاط تا دروازه بزرگ خارجی عبور می‌کند و در خیابان گسترده و طویل میان دیوارهای پلاستیکی راه می‌رود... و با سرعتی شدید بدون اینکه همسرش را در میان پیاده‌روها ببیند عبور می‌کرد... تا اینکه به پیچ رسید و او را در میدان سفر خارجی دید و آنجا تصویر را نگه داشت و شروع کرد به نزدیک شدن، سپس همسرش را دید که بر زمین میدان نشسته است و با آرامشی شدید و درحالی که چیزی را در دهانش می‌جود به افق خیره شده است.

۴. و خودش را در خیابانی گسترده و در میان دو دیوار بلند از پلاستیک شفاف دید که در آن هیچ روزنه یا پنجره یا دکانی وجود نداشت به‌مانند دکان‌هایی که روزنه‌ها یا پنجره‌هایی داشت.

۵. نوار رباتی افکار او را برایشان ترجمه کرد... به خودش می‌گفت: ای آقای نماینده رژیم اگر آنچه می‌گویی درست باشد پس چرا مرا الآن اینجا روبروی خودتان نشانده‌اید.

۶. لیالی لاغراندام که ۵ سال پیش او را در یکی از جشن‌های هفتگی، که گروه نظم جامعه آن را برگزار می‌کرد، به هومو داده‌اند، در زمانی که جواب درخواست او برای ازدواج آمد... او (لیالی) کسی است که ربات‌های الکترونیکی برایش (هومو) انتخاب کردند پس از آنکه صفات وراثتی و اکتسابی آن دو را بررسی و مقایسه و گمانه‌زنی کردند تا اینکه در نهایت به آن نتیجه رسیدند که آن دو با توجه به ویژگی‌های هردوی آن‌ها، بهترین افراد برای تکامل هستند، و در هر دو عنصرهای تفاهم و اختلاف به اندازه‌ای وجود داشت که به آن دو زندگی‌ای شاد و پیشرفته همراه با تضمین نسلی سالم می‌داد، اگر به آن‌ها اجازه فرزند آوری داده می‌شد.

۷. آن‌ها مجرم‌اند، آن حضرات مسئولین نظام... آن‌ها خوب می‌دانند که درمان وضعیت تو این است که به روشی طبیعی به بهره‌کشی از تمام توان انسانی خودت برگردی.

۸. در مورد حالت‌های مخالفی که در سال‌های اخیر پدیدار گشته است مانند بُریدن یا توقف از جریان روزمره زندگی، باید سریعاً شروع به درمان شیمیایی مغزهای آن‌ها از طریق کاشت سلول‌های عصبی کرد.

۹. و ما گمان کرده بودیم که دادن آزادی به دیگر غرایز مانند غریزه تنوع جنسی و لذت و غریزه سخن گفتن از طریق سالن‌های عشق آزاد و کاباره‌های گفت‌وگویی آزاد... این غرایز را اشباع می‌کند، به‌گونه‌ای که مانع از سرکشی و تجاوز و تعرض می‌شود.

۱۰. از دیدگاه نظام، اندیشه مجازات در نهایت از جامعه رخت برسته است؛ زیرا همه دلایل جرم پایان یافته و از میان رفته است... و آنچه امکان دارد رخ دهد فقط یک اشتباه است، اشتباهی که باید آن را درمان کرد نه مجازات...

۱۱. درحالی که داخل آسانسور بودیم به این قضیه فکر کردم... و فهمیدم که آن کار، نظام را در یک چالش قرار خواهد داد... و احتمالاً آن‌ها را مجبور می‌کند تا آقای هومو را برای رهایی از این چالش قربانی کنند.

۱۲. ای دافید انسان‌ها به حدی نگران‌کننده مشابه هم شده‌اند... نسخه‌هایی برابر از طریق لباس و غذا و اندیشه و عملکرد روزانه زندگی وجود دارد.

۱۳. نظام در تولید مثل کارگاهی از طریق لوله‌ها که در نیم‌قرن اخیر آن را انجام داده، موفق شده است... و تولید نسل‌های جدیدی شروع شده که از این نظر سالم هستند، و تقریباً خالی از آن احساسات قدیمی مربوط به فرزند و پدر و مادر شده‌اند.

## منابع

بسمه جی، سائر (۲۰۱۹)، *موسوعة أعلام أدب الخيال العلمي - العرب والأجانب*، القاهرة، دارالکتب العلمیة.

- بهی، عصام (۱۹۹۹)، *التخیال العلمی فی مسرح توفیق الحکیم*، القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- حقایقی، زهرا و دیگران (۱۴۰۰)، «واکاوی بن‌مایه‌های رئالیسم انتقادی در رمان عراقی فی باریس از صموئل شمعون»، *ادب عربی*، سال ۱۳، شماره ۴، صص ۳۹-۶۲.
- صالحی، پیمان و همکاران (۱۴۰۰)، «تحلیل شخصیت اصلی رمان آیام معه بر اساس نظریه خودشکوفایی ابراهام مزلو»، *ادب عربی*، سال ۱۳، شماره ۴، صص ۸۷-۱۰۷.
- ضمیران، محمد (۱۳۷۸)، *میشل فوکو: دانش و قدرت*، تهران، انتشارات هرمس.
- لاندوال، سام. جی (۱۳۷۵)، «داستان علمی - تخیلی چیست»، ترجمه محمد قصاب، *ادبیات داستانی*، شماره ۳۹، صص ۱۳۵-۱۴۳.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸)، *مراقبت و تنبیه تولد زنان*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران، نی. موسی، صبری (۱۹۸۲)، *السید من حقل السبانخ*، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- میلانی، توحید (۱۳۹۰)، «مفهوم قدرت در اندیشه میشل فوکو»، دانشگاه تبریز.
- نجف زاده، رضا (۱۳۹۳)، «زیست‌قدرت در اندیشه سیاسی فوکو، آگامبن و نگری»، *جستارهای سیاسی معاصر*، سال پنجم، شماره ۴ (پیاپی ۱۴)، صص ۱۴۹-۱۷۲.
- وهبة، مجدی (۱۹۸۴)، *معجم المصطلحات العربية فی اللغة و الادب*، ط ۲، بیروت، مكتبة لبنان.
- یحیوی، حمید (۱۳۹۶)، «شبان وارگی جدید؛ نقد عقلانیتهای حکومتی دولت در ایران»، *فصلنامه دولت پژوهی*، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱-۳۲.

## Sources

- Adam, R. (2000), *SCIENCE FICTION*, First published, London and New York: Routledge.
- Bahī, I. (1999), *Science Fiction in Tawfiq Al-Hakim Theatre*, Cairo, General Egyptian Book Organization. [In Arabic].
- Basma J, S. (2019), *Encyclopedia of science fiction literature flags - Arabs and foreigners*, Cairo, Dar Al Kotob Al Ilmiyah. [In Arabic].
- Foucault, M. (1999), *Care and Punishment: The Birth of Prison*, Translators: Niko Sarkhosh and Afshin, Tehran, Ney Publishing. [In Persian].
- Godamunne, V. (2011), “*Bio-politics in Science Fiction Films - An Exploration of the Representation of the Contemporary Politicization of Human Biological Life in Cinema*”, University of Singapore.
- Görmez, A. (2021), “*The analyses of modernity, power, and resistance in the dystopias of Margaret Atwood*”, Middle East technical university.
- Karaca, G. (2020). “*Lives under Control: Foucauldian Biopower in British Post-Apocalyptic Novels*”, sosyal bilimler enstitüsü.
- Kasper S. K. (2013). “*Michel Foucault on Bio-power and Bio-politics*”, University of Helsinki Faculty of Social Sciences.
- Lundwall, S. J. (1996), “What is a science-fiction story”, Translator: Mohammad Qasa, *Journal of Fiction*, No. 39, pp 143-135. [In Persian].
- Magdy, W. (1984), *Dictionary of Arabic terms in language and literature*, Beirut, Lebanon Library. [In Arabic].

- Milani, T. (2011). "The concept of power in Michel Foucault's thought", *Ministry of Science, Research and Technology - University of Tabriz*, [In Persian].
- Moussa, S. (1982), *Lord of the Spinach Field*, Egypt, General Egyptian Book Organization.[In Arabic].
- Najafzadeh, R. (2014), "Biopower in the Political Thought of Foucault, Agamben, and Negri: From a Disciplinary Society to a Global Control Society", *Contemporary Political*, Issue 4, pp 149-172. [In Persian].
- Oxford New York (2003), First published, University press. [In English].
- Paul, A. M. (2011), "From Power to Bio-power". *Journal of the studies of humanities*, 2011, 15 (6), pp 259-278.
- Pylypa, J. (1998), "Power and Bodily Practice: Applying the Work of Foucault to an Anthropology of the Body", *Arizona Anthropologist* 13.
- Steinmuller, K. (2013), "The uses and abuses of science fiction", *Interdisciplinary Science Reviews*, Volume 28, Issue 3, pp175-178.
- Yahyavi, H, (2017), "Neo-Pastorship, Critique Of Governmental Rationality Of Iran's State", *STUDIES THE STATE*, Volume 3 , Number 10 ; pp 1 – 32. [In Persian].
- Zamiran, M. (1999), *Michel Foucault: Knowledge and Power*, Tehran: Hermes Publications. [In Persian].



